

نگاهی گذرا به جریان سلفی تکفیری داعش

(قسمت دوازدهم - پایانی)

آینده تحولات

۱ - چشم‌انداز منطقه

درک‌البدشناسی منطقه گفتمان اسلام سیاسی رادیکال (نوسلفی)، منازعات اعراب - اسرائیل، انرژی (نفت و گاز) و تروریسم متغیرهای مهم، مؤثر و نقش‌آفرین هستند. این متغیرها موجب شده‌اند که امنیت منطقه، جهانی شود، اما گفتمان نو سلفی و گسترش تروریسم، به دلیل خاستگاه جغرافیایی این گفتمان در خاورمیانه، ابعاد جهانی امنیت را در این منطقه به شدت افزایش داده است. حتی فضای سایبری هم به فضای تهدید بدل شده است. نا گفته نماند که پدیده تروریسم در واقع چهره بیرونی همان گفتمان نوسلفی است که به عنوان یک روش راهبردی و نماد تفکر تکفیری گزینش شده، ولی اینک خود به یک متغیر بدل شده است.

بیداری اسلامی در کشورهای‌های عربی تغییرات مهم ریشه‌ای ایجاد کرد که تا چند دهه آینده تنش‌ها و معضل‌هایی را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دامن خواهد زد. این تحول بزرگ، کشورهای منطقه خاورمیانه و به ویژه چهار کشور عراق، سوریه، لیبی و یمن را به دولت‌های ورشکسته بدل کرده است.

در سال‌های اخیر گروه‌های متنوعی با نام و پسوند‌های اسلامی در مهم‌ترین کشورهای جهان بروز و ظهور یافته و نقش‌آفرینی منفی داشته‌اند، اما گروه داعش بزرگ‌ترین مجموعه‌ای است که توانست گوی سبقت را از دیگر گروه‌های افراطی برآید و ضمن چیرگی بر رقبای خود، از جریان مادر گروه‌های افراطی اعلام استقلال کند، این گروه برق‌آسا بر بخش‌های گسترده‌ای از شمال عراق و شرق سوریه چیره شد و با اعلام خلافت اسلامی در این منطقه، کیان و سامان جدیدی را پایه‌گذاری کرد. به این ترتیب علاوه بر افغانستان و بخش‌هایی از پاکستان، سرزمین وسیعی از عراق و سوریه به جولانگاه جریان‌های تکفیری و گروه‌های تروریستی به ظاهر اسلامی بدل شده است.

همچنین گروه‌های افراطی در سایر کشورهای اسلامی مانند انصار بیت‌المقدس در صحرای سیناء، انصار الشریعه در لیبی، بوکوحرام در نیجریه و... اعلام موجودیت کرده‌اند و بیشتر آنها ضمن بیعت با داعش، خود را متعهد به انجام عملیات تروریستی در چارچوب راهبرد کلان و رهبری این گروه دانسته‌اند. در این میان رفتار گزینشی آمریکا در باره جریان‌های تروریستی و اتخاذ رویکردهای حمایتی از بخش وسیعی از این جریان در برابر جبهه مقاومت و جمهوری اسلامی ایران، (علاوه بر حمایت فراوان مالی و نظامی کشورهای منطقه از این گروه‌ها) زمینه‌ساز گسترش تروریسم و مهم‌تر از آن، اندیشه‌های افراطی در بین جوانان کشورهای اسلامی شده است. در مجموع، با در نظر گرفتن سیر و ابعاد تحولات مربوط به این حوزه می‌توان گفت:

جریان سلفی افراطی به دلیل ماهیت اعتقادی و دینی، برخورداری از احساسات معنوی هواداران، اتخاذ رویکردهای جهادی و عملیات علیه آمریکا (که به دلیل اتخاذ سیاست های تحقیرآمیز در سالیان متمادی نفرت مسلمانان را برانگیخته است)، جاذبه های بسیاری برای جذب جوانان مسلمان در کشورهای اسلامی دارد.

ظرفیت مالی جریان های افراطی به ویژه داعش باتوجه به رویکردهای نوین آنها برای کسب درآمد (گروگان گیری، تسلط بر منابع مالی کشورها، تاراج بانک ها، مراکز مالی و اقتصادی، دریافت کمک مالی سرویس های اطلاعاتی و...) فزاینده است.

ظرفیت عملیاتی جریان های تکفیری به دلیل کارآزمودگی در صحنه های رویارویی در سوریه، عراق و...، برخورداری از تجربه گذشته و کمک های افسران ارتش بعثی عراق، دریافت سلاح و مهمات، آموزش از سوی کشورهای عربی، غنیمت گرفتن سلاح های سبک و سنگین از ارتش و نظامیان عراق و سوریه، در حال افزایش است.

داعش نظم و امنیت بین المللی و مرزهای سیاسی را به چالش کشیده، منطقه را دچار آشوب، درگیری و بی ثباتی کرده است. و کوشش بسیار کرده است که خود را از دیگر بازیگران غیر دولتی منطقه مانند حماس، فتح و انصارالله (حوثی های یمن) و حتی از سازمان های تروریستی مانند القاعده متمایز کند. و در عین این که بازیگری غیر دولتی است، با تصرف سرزمین و اعلام نظام سیاسی حکمرانی خلافت بر مبنای شریعت از این چارچوب فراتر رفته و پدیده ای شده است که وضعی در میانه طیف نهاد دولتی و سازمان غیر دولتی است .

خاورمیانه هم اکنون، مجموعه ای از رژیم های سیاسی پادشاهی، دموکراسی، جمهوری، موروثی و خلافت (داعش) را تجربه می کند. افزون بر این، این گروه جنگ شیعه - سنی، جنگ بینا سنی (مصر، لیبی و بین داعش و القاعده، اخوان المسلمین - وهابی سلفی) را مشتعل می کند. داعش نظم منطقه ای را مختل و منطقه را دچار آشوب کرده است. صحنه ژئوپولیتیک خاورمیانه در حال تغییر است و بازیگران جدیدی به آن افزوده می شود و بسیار سخت است که آینده و نتایج را پیش بینی کرد. در این محیط داعش به عنوان یک بازیگر رقابت آمریکا و روسیه در سوریه و حتی عراق را از یک سو، و رقابت آمریکا، برخی کشورهای منطقه (ایران، عربستان، ترکیه) در عراق و سوریه را از سوی دیگر برانگیخته است. این رقابت روسیه را متوجه سوریه و سایر کشورهای خاورمیانه مانند عراق و مصر کرده است. امروز در حالی برای مبارزه با داعش ائتلاف بین المللی به وجود می آید که مسأله و معضل اصلی و ریشه دار خاورمیانه (رژیم صهیونیستی) و مسأله فلسطین در حاشیه رفته است. تهدید داعش برای برهم زدن ثبات منطقه، دولت های آن و قدرت های بزرگ، قاعدتا باید تلاش برای مبارزه با آن را در ائتلاف واقعی و جدی بین المللی متمرکز کند .

رویکرد جهادگرایی گروه های سلفی و افراط گرایی نابود نخواهد شد و باقی خواهد ماند. اینکه قدرت های بزرگ بتوانند جریان تکفیری داعش را نابود کنند فقط به توانایی و کارایی ائتلاف غربی - عربی نیست، بلکه اراده ای برفائق آمدن برعلل و عوامل ظهور گروه های تکفیری و زوال و نابودی آنها را ندارند. عدم اراده بین المللی برای محو و نابودی داعش حکایت از آن دارد که در شرایط کنونی این دولت خود خوانده می تواند فرصت ها و بهانه هایی را برای بازیگران قدرتمند جهانی و منطقه ای برای تداوم حضور و نفوذ در کشورهای خاورمیانه فراهم سازد .

برخی پیش‌بینی‌ها مبنی بر این که جنگ علیه داعش بیش از یک دهه طول خواهد کشید، خود شاهدهی است که این گروه توازن قدرت در منطقه را دگرگون و دخالت قدرتهای جهانی در منطقه را تسهیل کرده است. با تداوم حضور و فعالیت داعش احتمال تجزیه کشورها و تغییرات ژئوپولیتیکی در منطقه بعید نمی‌نماید. از این رو شاید داعش کاتالیزوری باشد که به وسیله آن نظامی جدید در منطقه ظهور کند.

اگرچه درباره آینده داعش درون مرزهای عراق چشم انداز مثبتی نیست، ولی این جریان افراطی در خاک سوریه وضعی رو به جلو داشته و پاک‌سازی سوریه از عناصر این جریان در آینده نزدیک افق روشنی ندارد. و براساس نقشه‌ای که رهبران داعش در رسانه‌های غربی منتشر کرده‌اند، این جریان در نظر دارد تا ۵ سال آینده، بخش بزرگی از کشورهای اسپانیا، قفقاز، آسیای مرکزی و قاره هند را تصرف کند. در این طرح، منطقه آسیای مرکزی، افغانستان، ایران، پاکستان و هند به نام ولایت «خراسان» گزینش شده است.

تلاش برای سرنگونی دولت ازبکستان در آسیای مرکزی می‌تواند آغازی بر تحولات گسترده در آسیای مرکزی و همچنین قفقاز باشد. به طبع، این حرکت می‌تواند عامل رشد درگیری‌های مذهبی و تنش‌ها در جهان اسلام باشد. هرچند ترک‌ها در تحولات سوریه و عراق و نیز همکاری با سلفی‌های تکفیری، نتوانسته‌اند دستاوردهای مورد نظر خود را بیابند و تا حدودی شکست خورده‌اند؛ ولی نمی‌توان گفت این تلاش‌ها به پایان خط رسیده است. بلکه آنها در تحولات آینده در آسیای مرکزی و به ویژه قفقاز هنوز می‌توانند نقش کلیدی داشته باشند.

یک محور در راهبرد جدید آمریکا، ثبات نسبی در غرب آسیا و توجه بیشتر به شرق آسیا و اکران است. آمریکایی‌ها باتوجه به تجارب کار با نیروهای تکفیری، تلاش جدی می‌کنند تا محیط بکارگیری آنها را خودشان تعیین کنند و اجازه ندهند آنها در محیط کشورهای دوست نقش‌آفرینی کنند.

نیروهای بسیاری از لیبی و تونس و... در داعش فعال هستند، گسترش فعالیت داعش به ویژه در لیبی می‌تواند زمینه‌ساز بازگشت بسیاری از این نیروها به شمال آفریقا باشد. به خصوص این که، منطقه یاد شده به دلیل نزدیکی به اروپا و داشتن منابع نفتی و نداشتن دولت قوی، دارای جاذبه و گیرایی خاصی است.

بازیگری روسیه در منطقه برای آمریکا قابل تحمل نیست و برخی از کارشناسان معتقدند که آمریکا قصد دارد وضع آسیای مرکزی را ناآرام و سناریوی اوکراین را در این منطقه اجرا کند و روند تحولات و تحرکات دیپلماتیک را می‌توان در این جهت تحلیل کرد.

۲- ملاحظاتی بر تغییرات ژئوپولیتیکی منطقه

اندیشه ژئوپلیتیکی، اندیشه‌ای معطوف به کسب قدرت از فضای جغرافیایی و اعمال قدرت با عناصر جغرافیایی است. کنش‌گری و رفتار جریان تکفیری با این تعریف در دو چارچوب قابل تفسیر است:

الف) همکاری، رقابت و منازعه برای تصاحب عناصر جغرافیایی: در این سطح جریان تکفیر (به ویژه داعش) با رویکرد تهاجمی و توسعه‌طلبانه برای افزایش سطح قدرت خود و تصرف عناصر مختلف جغرافیایی به فعالیت مشغول است.

ب) جریان تکفیر برای افزایش سطح قدرت و رسیدن به اهداف، عناصر جغرافیایی را ابزار رقابت و منازعات قرار می‌دهد.

کنشگری جریان تکفیر و ائتلاف ضد داعش (ائتلاف بین‌المللی بامحور آمریکا و ائتلاف منطقه‌ای با محور عربستان سعودی) ابزاری برای موازنه ژئوپولیتیک و تغییرات در جغرافیای سیاسی منطقه بویژه در سوریه و عراق است. برآیند تغییر ژئوپولیتیک سلفی تکفیری برآوردهای ج.ا.ا را در منطقه مشخص‌تر و دقیق‌تر می‌کند و فرصتی است برای بازسازی شناختی خود از روندها و آینده تحولات و تغییرات ژئوپولیتیکی که چالش‌هایی هم بدنبال خواهدداشت

پیش بینی می‌شود مواضع آتی هریک از بازیگران درگیر در منطقه خاورمیانه در قبال داعش در چار چوب های خاصی شکل بگیرد که به برخی از آنان اشاره می‌شود:

۲-۱- آمریکا و متحدان غربی

پیش بینی می‌شود، دولت آمریکا و متحدان غربی با اتخاذ رویکرد مهار دوگانه به سمت حذف بشار اسد، حفظ ساختار نظام و واگذاری حاکمیت سوریه به معارضان متعهد به آمریکا گام بردارد.

۲-۲- کشورهای منطقه (عربستان، ترکیه، قطر و...)

علی‌رغم بروز پدیده‌های نامنی در قالب‌های مختلف در ریاض، طائف و خمیس مشیط و... از سوی عناصر داعش جلوه‌های عینی فعالیت این گروه در عربستان پیش بینی می‌شود، کشورهای هم‌پیمان منطقه (ترکیه، عربستان، قطر و...) به رغم اختلافات بعدی در تقسیم منافع، با استفاده از همراهی، حمایت عملیاتی و لجستیک آمریکا برآیند، با گذر حذف بشار اسد و جایگزینی معارضان به سوی تحقق حاکمیت داعش حرکت کرده و آمریکا را وادار به شتاب‌دهی در عبور از وضع کنونی کنند.

۲-۳- روسیه

روس‌ها دکتترین امنیتی خود را با ورود به سوریه جابجا کرده‌اند. آنها پیش‌تر به دنبال ایجاد توازن قوا با غرب در منطقه بودند، ولی با ورود به صحنه سوریه به دنبال سیاست تغییر در منطقه و توسعه منافع استراتژیک خود در جهان هستند و این روش را در اوکراین نیز به نمایش گذاشته‌اند. این نگاه بیانگر آن است که درگیری روس‌ها و غرب در سوریه، کاملاً از پیش‌اندیشیده شده و در عین حال موضوع اجتناب‌ناپذیری است .

حضور داعش در شرق و شمال سوریه، دخالت ترکیه در مناطق شمال و غرب این کشور به بهانه جلوگیری از دسترسی کردهای سوریه به دریای مدیترانه و از سوی دیگر فشار گروه‌های معارض طرفدار آمریکا برای تصرف مناطق جنوبی سوریه در قنيطرة و درعا، بیانگر طرح‌های پشت پرده آمریکائی‌ها برای تقسیم سوریه بود که موجب حساس شدن روسیه و تصمیم‌گیری برای دخالت در آنجا شد .

بر این اساس پیش بینی می شود، دولت روسیه با بازیگری فعال به استمرار وضع کنونی رفته به سوی فروپاشی داعش گام بردارد و در این مسیر با خودداری از پرداخت هزینه های سنگین، از انگیزه های معنوی و کمک های مستشاری جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت برای دستیابی به اهداف خود بهره برداری کند.

۴-۲- جبهه مقاومت

با در نظر گرفتن همه شرایط، این گزینه برای جبهه مقاومت و جمهوری اسلامی ایران مطلوب ارزیابی می شود تا با بهره گیری از فرصت های آن (ضمن تقویت نظام سوریه) برای از بین بردن هسته های تروریستی در منطقه طراحی کنند. ضروری است با بهره برداری از فرصت ها و استمرار وضع موجود برای فروپاشی حاکمیت داعش برنامه ریزی شود.